



# تحولات بازار نفت و تأثیر آن بر بودجه کشور

دکتر حسن شکوه\*

## اشاره:

تنوع در منابع درآمد ملی یکی از ابزارهای قدرت و نشانه وجود ساختار مستحکم و امنیت اقتصادی است. در مقابل محدود بودن منابع درآمد در اقتصاد ملی زمینه‌ساز تأثیرپذیری گسترده خارج از اقتصاد ملی، نوسانات و عامل شکنندگی ساختار اقتصادی است. بر این اساس بسیاری از کشورهای رانتیر یا وابسته به یک ماده خام طبیعی به محض نوسان قیمت مواد خام از جمله نفت با مشکلات زیادی در این زمینه روبرو می‌شوند.

## مقدمه

توافق ایران با گروه ۵+۱ و تصویب برنامه جامعه توافق مشترک نوید آن را می‌داد که با برداشتن تحریم و هزینه‌های تحمیلی بر اقتصاد ایران موانع خارجی برای پیگیری سیاست‌های اقتصادی با هدف تحقق رشد اقتصادی تا حدودی مرتفع خواهد شد. ولی به محض مشاهده علائم بروز توافق، قیمت نفت به دلایل اقتصادی و با انگیزه و اراده سیاسی در سطح جهانی و منطقه‌ای شروع به کاهش کرد و تا رسیدن به زمان اجرای برجام شدت گرفت.

## روند کاهش قیمت نفت و علل آن

روند کاهش قیمت نفت که از اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی شروع و در اوایل و نیمه اول سال ۲۰۱۵ روند کندی را در پیش گرفته و به حدود ۶۰ دلار رسیده بود. دوباره از نیمه این سال روند رو به کاهش خود را ادامه داد و در پایان سال میلادی به نقطه اوج

خود رسید. به عبارت دیگر در یک فرایند حدود یک و نیم ساله قیمت نفت از سطح ۱۱۰ دلار در هر بشکه به سطح ۳۰ دلار برای هر بشکه رسید. قیمت سبب نفتی اوپک حتی از سطح ۳۰ دلار نیز پائین تر آمد و به رقم ۲۷ دلار برای هر بشکه نیز رسید. در ارتباط با علل کاهش قیمت نفت، کارشناسان دو دسته عوامل را در این فرایند مؤثر می‌دانند. دسته اول عوامل ساختاری، بنیادی یا فنی بازار است و دسته دوم مربوط به عوامل ژئوپلیتیک و سیاسی می‌شود. در شرایط کنونی جهت هر دو دسته عوامل در مسیر فشار بر قیمت نفت است. در چارچوب عوامل ساختاری و بنیادی بازار نفت می‌توان به افزایش عرضه نفت نسبت به تقاضا اشاره کرد به گونه‌ای که در حال حاضر بیش از دو میلیون بشکه نفت مازاد در بازار وجود دارد.

کاهش رشد اقتصادی در اکثر مناطق جغرافیایی جهان مانند چین، اروپا، آمریکای جنوبی و پیش‌بینی تداوم روند کاهش رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۶ توسط سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، افزایش خطر آلودگی هوا و گرم شدن کره زمین به دلیل مصرف سوخت‌های فسیلی و افزایش نگرانی کشورهای مختلف از این روند که اوج آن در نشست سران کشورهای جهان در قالب کاپ ۲۱ در پاریس و تصویب پروتکل مربوط به کاهش تولید گازهای آلاینده بروز کرد، باعث روی آوری کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به مصرف سوخت‌های جایگزین مانند گاز طبیعی و ال.ان.جی و تغییر



در ترکیب سبد مصرف انرژی و کاهش مصرف نفت شده است. همچنین بهبود فناوری‌های استخراج در عرصه صنعت نفت و کاهش هزینه تولید در نتیجه افزایش میزان تولید از شن‌های نفتی در آمریکا و کانادا باعث شده که تولید این نوع نفت به مرز ۵ میلیون بشکه برسد. بر این اساس آمریکا در حال حاضر در زمینه تولید نفت، گوی سبقت را از عربستان ربوده و وابستگی خود را به نفت خاورمیانه کاهش داده است. در نتیجه تولید نفت و گاز از سازندهای شیل یا به اصطلاح انقلاب شیل در بازار نفت و گاز ایالات متحده آمریکا تأثیر عمیقی بر بازار انرژی دنیا و کاهش قیمت نفت گذاشته است.

بر این اساس در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی تولید نفت خام در ایالات متحده در بالاترین میزان آن از سال ۱۹۸۵ و تقریباً ۶۰ درصد بالاتر از تولید در سال ۲۰۱۰ بوده است. ایالات متحده در حال حاضر یکی از تولیدکنندگان عمده نفت در جهان است و در حال حاضر نسبت به پنج سال پیش یک سوم کمتر نفت خام وارد می‌کند. همچنین در مدت پنج سال بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳، تولید گاز شیل بیش از چهار برابر شده و در حال حاضر نزدیک به نیمی از کل تولید گاز عرضه شده به بازار را آمریکا به خود اختصاص می‌دهد. این کشور در ماه سپتامبر ۲۰۱۵ با واردات ۹/۷ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی و تولید ۹/۴ میلیون بشکه نفت در روز نه تنها نیاز داخل را برآورده کرده، بلکه دارای ۴/۶ میلیون بشکه صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی در روز بوده است. افزایش تولید و صادرات نفت همچنین افزایش ذخایر راهبردی در آمریکا به همراه افزایش نرخ بهره بانکی در آمریکا و رشد ارزش دلار از عوامل مؤثر بر کاهش قیمت نفت در بازار جهانی بوده است.

از سوی دیگر شکاف و اختلاف در درون اعضای اوپک بر سر تعیین راهبرد مبتنی بر قیمت یا حفظ سهم بازار، افزایش عرضه نفت و عدم پابندی به سهمیه‌ها در داخل اوپک، عدم هماهنگی میان کشورهای عضو و خارج از اوپک و در نتیجه افزایش تولید در کشورهای خارج از اوپک مانند روسیه، افزایش تولید در کشورهای آمریکای جنوبی مانند مکزیک و برزیل در کنار عوامل سیاسی مانند گسترش جنگ در خاورمیانه و افزایش اختلافات سیاسی میان ایران، عراق و سوریه با کشورهای عرب خلیج فارس مانند عربستان، قطر، امارات متحده عربی و استفاده سیاسی از کاهش قیمت نفت برای فشار بر این کشورها، افزایش قاچاق و فروش نفت عراق و سوریه توسط داعش به کشورهای مانند ترکیه به قیمت ارزان، بهبود امنیت و

ثبات نسبی اوضاع سیاسی در لیبی و افزایش تولید نفت توسط این کشور، توافق ایران با ۵+۱ بر سر مسائل هسته‌ای و برنامه وزارت نفت برای افزایش تولید و صادرات نفت تا یک میلیون بشکه نسبت به تولید کنونی در طی ۶ ماه و در دو مرحله از جمله عواملی است که باعث شده است قیمت نفت سیر نزولی خود را در بازارهای جهانی همچنان ادامه دهد.

### تأثیر تنش میان ایران و عربستان بر بازار

اگرچه قیمت جهانی نفت در پی بالا گرفتن تنش‌های سیاسی میان ایران و عربستان اندکی افزایش یافت اما تقریباً همه تحلیل‌گران بر این امر تأکید کردند که این افزایش موقتی خواهد بود و تنش و شکاف سیاسی میان ایران و عربستان و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تأثیر منفی بر قیمت نفت و ظرفیت اقتصادی منطقه نخواهد داشت و با وجود تشدید تضاد سیاسی و اختلاف در منطقه بر سر راهبرد حمایت از قیمت با کاهش تولید یا حفظ سهم بازار با کاهش قیمت میان دو دسته از اعضای اوپک، احتمال افزایش قیمت نفت در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست.

بر این اساس و با توجه پیش‌بینی‌های موجود قیمت نفت حداقل در دو سال آینده با جهش روبرو نخواهد شد. قیمت نفت در بدبینانه‌ترین حالت در سطح ۲۰ دلار برای هر بشکه و در خوشبینانه‌ترین حالت در سطح ۵۰ دلار خواهد بود. بر این اساس پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که قیمت در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ و یا حتی بعد از آن رشد تدریجی خود را شروع خواهد کرد. در این راستا به

وجود تلاش برای کاهش وابستگی به نفت هنوز درآمدهای نفتی تأثیر تعیین کننده‌ای بر اقتصاد ایران دارد. در بودجه سال ۱۳۹۴ که با ملاحظات مربوط به تحریم‌های نفتی بسته شد حداقل ۳۱ درصد از درآمدهای ارزی دولت از محل فروش نفت با قیمت ۵۳ دلار تأمین می‌شود. این در حالی است که با در نظر گرفتن مشتقات نفتی می‌توان گفت که حداقل ۷۰ درصد از درآمدهای ارزی دولت از محل فروش نفت و فرآورده‌های آن بوده است.

در ارتباط با علل کاهش قیمت نفت، کارشناسان دو دسته عوامل را در این فرایند مؤثر می‌دانند. دسته اول عوامل ساختاری، بنیادی یا فنی بازار است و دسته دوم مربوط به عوامل ژئوپلیتیک و سیاسی می‌شود. در شرایط کنونی جهت هر دو دسته عوامل در مسیر فشار بر قیمت نفت است. در چارچوب عوامل ساختاری و بنیادی بازار نفت می‌توان به افزایش عرضه نفت نسبت به تقاضا اشاره کرد به گونه‌ای که در حال حاضر بیش از دو میلیون بشکه نفت مازاد در بازار وجود دارد.

بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه، دولت باید منابع نفتی را صرف تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا طرح‌های عمرانی و مالیات و سایر درآمدها را صرف هزینه‌های جاری کند. نزولی شدن درآمدهای کشور و رسیدن آن به ۲۰ میلیارد دلار آثار نامطلوبی در اجزای اقتصاد به خصوص تکالیف و وظایف دولت در بودجه خواهد گذاشت. اجتناب‌ناپذیر بودن هزینه‌های جاری به خصوص حقوق و دستمزد، فشار کسری را بر دوش تولید و طرح‌های عمرانی خواهد انداخت که اکنون نیز آثار این موضوع در رکود اقتصادی مشهود است. تلاش دولت برای کاهش نرخ تورم آثار مثبتی داشته

طور طبیعی و بر اساس تجربه تاریخی کاهش قیمت نفت بر ساختار اقتصادی کشورهای تولیدکننده از جمله ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر منفی خواهد داشت. کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی به شکل عام و کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به شکل خاص، کاهش ذخایر ملی، کاهش درآمدهای ملی، کاهش ارزش پول ملی، کسری بودجه و کاهش بودجه‌های عمرانی، نوسان و بی‌ثباتی در بازار سرمایه، کاهش رشد اقتصادی، افزایش رکود و تشدید مشکلات ساختاری اقتصاد از نتایج کاهش قیمت نفت بر اقتصادهای وابسته به درآمد نفت است.

### کاهش قیمت نفت و تأثیر آن بر بودجه کل کشور

طی دو سال اخیر دولت در آستانه تهیه و تنظیم لایحه بودجه با افت شدید قیمت نفت روبرو شده است. این موضوع منجر به کسری و ناپایداری بودجه و ایجاد مشکلات در تزریق منابع برای فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. این موضوع میزان حصول درآمدهای مالیاتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس کاهش قیمت نفت باعث شد تا میزان درآمدهای نفتی ایران از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰، ۶۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲، ۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ و به کمتر از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ برسد. این شرایط به دلیل تحریم و این موضوع که ایران هنوز تمام درآمد حاصل از فروش نفت خود را دریافت نکرده است و بخش زیادی از دلارهای نفتی در بانک‌های خارجی بلوکه شده است، آثار منفی کاهش درآمد نفت را تشدید کرده است. در این چارچوب با



است اما به دلیل کمبود منابع و عدم تزریق آن به تولید، فعالیت‌های اقتصادی به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط با رکود عمیق بحران‌زا روبرو هستند.

در این چارچوب بودجه عمومی سال ۱۳۹۴، ۲۳۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود. این در حالی است که در خوش‌بینانه‌ترین حالت از کل منابع عمومی ۲۳۶ هزار میلیارد تومانی در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۱۸۴ هزار میلیارد تومان تا پایان سال امکان تحقق دارد، بنابراین درآمد دولت حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان با کسری مواجه است. دولت در این شرایط برای جبران اعتبار بخش‌های مختلف، ردیف اعتبارات را جابجا می‌کند تا بتواند عوارض ناشی از کسری بودجه را جبران نماید.

تزریق کند.  
از سوی دیگر دولت در بودجه سال ۱۳۹۵ تحقق رشد اقتصادی بین ۵ تا ۶ درصد را هدف گذاری کرده است. بر این اساس منابع عمومی بودجه سال آینده ۲۶۷ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. یعنی در راستای تحقق رشد ۶ درصدی، منابع عمومی بودجه سال ۱۳۹۵، ۱۳ درصد رشد کرده و قیمت نفت در بودجه ۱۳۹۵ بین ۳۵ تا ۴۰ دلار پیش‌بینی شده است. این در حالی است که قیمت نفت پایه اوپک به ۲۷ دلار رسیده است.

### کاهش درآمدهای نفتی و افزایش میزان بدهی دولت

بخشی از کسری بودجه آثار خود را روی افزایش بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد. این امر بدهی دولت را که از سال‌های گذشته باقی مانده است، تشدید خواهد کرد. بر این اساس بدهی دولت به بانک مرکزی با ۲۹,۴ درصد افزایش در یک سال منتهی به خرداد ماه به ۲۴ هزار و ۷۲۰ میلیارد تومان رسیده است. بدهی دولت به بانک‌ها با ۲۵,۵ درصد رشد به ۱۰۲ هزار و ۹۸۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. در ۶ ماهه اول امسال بدهی دولت به بانک‌ها به رقم ۱۰۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. بدهی شرکت‌ها و موسسات دولتی به بانک مرکزی نیز با ۳۰,۵ درصد رشد به ۲۵ هزار و ۴۰ میلیارد تومان رسیده و بدهی به بانک‌ها با ۳,۷ درصد افزایش ۳ هزار و ۶۴۰ میلیارد تومان گزارش شده است. در مجموع مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی و غیر دولتی در یک سال منتهی به خردادماه امسال به رقم ۷۹۷ هزار

افزایش درآمد مالیات‌ها  
باید از محل توسعه پایه‌های  
مالیاتی، کشف فرار مالیاتی  
و شفاف‌سازی معاملات در  
اقتصاد با تکمیل زنجیره طرح  
جامع محقق شود.

دولت در لایحه بودجه ۱۳۹۴، بالغ بر ۴۷,۷ هزار میلیارد تومان منابع برای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا طرح‌های عمرانی پیش‌بینی کرده بود که در نهایت ۵۰,۸ هزار میلیارد تومان در مجلس تصویب شد. در حال حاضر با گذشت ۹ ماه، حدود ۳۹ درصد از اعتبارات عمرانی پرداخت شده است. طبق آخرین اظهارات مسئولان طی ۹ ماه گذشته بالغ بر ۱۵ تا ۲۰ هزار میلیارد تومان به طرح‌های عمرانی تزریق شده است. با این روند به نظر می‌رسد دولت قادر نخواهد بود تا پایان امسال بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان به طرح‌های عمرانی

میلیارد تومان بود. با توجه با کاهش سهم نفت از بودجه برای سال آینده ۱۱ هزار میلیارد تومان به سهم درآمدهای مالیاتی افزوده شده و از ۷۴ هزار میلیارد تومان به ۸۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. در این شرایط عدم شفافیت اقتصادی و نبود اطلاعات کامل و دقیق از وضعیت اقتصادی کشور اجرای برنامه کامل مالیاتی را با مشکل مواجه می‌کند. بر این اساس ۲۰ تا ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در حوزه خاکستری و سیاه بوده که مشمول فرار مالیاتی است. افزایش درآمد مالیات‌ها باید از محل توسعه پایه‌های مالیاتی، کشف فرار مالیاتی و شفاف‌سازی معاملات در اقتصاد با تکمیل زنجیره طرح جامع محقق شود. بنابراین با پیاده‌سازی کامل این طرح در فرآیند مالیات‌ستانی با داشتن اطلاعاتی مانند (املاک، بانکی، خودرو، معاملات) و سایر داده‌ها می‌توان قطع وابستگی درآمد نفت را عملی کرد. در ارتباط با بدهی‌ها دولت در قالب اصلاح نظام بانکی مصمم است تا بخشی از بدهی‌های خود را به نظام بانکی پرداخت کند. بخش دیگری از آنها نیز به صورت نقدی و اوراق پرداخت خواهد شد. در این ارتباط وزیر اقتصاد با اشاره به راه‌اندازی بازار بدهی با فرق قائل شدن میان «بدهکار بودن» و «بدهکار بد بودن» نفس وجود بدهی را مذبوم نمی‌داند.

### برجام و سیر نزولی قیمت نفت در بازار

با توجه به نقش عوامل ساختاری و سیاسی موثر در کاهش قیمت نفت که پیش از این به آنها اشاره شد به نظر نمی‌رسد که اجرای برنامه جامع مشترک تأثیر مثبتی بر افزایش قیمت نفت و کاهش شکاف در سطح اوپک داشته باشد. کاهش قیمت نفت بخشی از برنامه طراحی شده برای محدود کردن ایران به لحاظ قدرت اقتصادی در دوران پسابرجام است. در عین حال که باید به این موضوع نیز توجه داشت که حتی ممکن است با ورود نفت ایران به بازار بعد از برداشتن تحریم‌ها روند کاهش قیمت نفت تشدید شود اما اجرای برنامه جامع مشترک از جهات دیگر بر ساختار اقتصادی ایران تأثیرات مثبتی برجای خواهد گذاشت. برداشته شدن تحریم‌ها علاوه بر ایجاد فضای مثبت روانی، تأثیرات واقعی نیز بر اقتصاد ایران برجای خواهد گذاشت.

در این چارچوب بازار سرمایه در اولین روز معاملاتی خود در هفته دوم دی ماه رشد مثبتی را آغاز کرد و در نهایت به کانال ۶۲ هزار واحدی صعود کرد. در واقع بازار سهام بهترین عملکرد هفتگی

و ۳۴۰ میلیارد تومان رسیده که رشد ۱۸,۶ درصدی را نشان می‌دهد. براساس آخرین گزارش‌ها بدهی دولت و شرکت‌های دولتی ۳۸۰ هزار میلیارد تومان است.

در این چارچوب تنها شرکت ملی نفت ۵۵ میلیارد دلار معادل ۱۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد. این در شرایطی است که کل سپرده بخش دولتی نزد سیستم بانکی ۷۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بوده که ۰,۹ درصد رشد داشته است. علاوه بر افزایش بدهی از پیامدهای دیگر کاهش درآمد نفت، افزایش احتمال نوسان نرخ ارز و کاهش موجودی و ورودی درآمدها به صندوق توسعه ملی است. در سال‌های اخیر دارایی‌های صندوق توسعه ملی به بیش از ۷۰ میلیارد دلار رسیده است. اما هم‌اکنون موجودی صندوق توسعه ملی حدود ۴۰ میلیارد دلار است. در حال حاضر بیش از ۴ میلیارد دلار به صندوق واریز شده که با توجه به کاهش قیمت نفت این میزان نسبت به سال قبل نصف شده است.

در این شرایط وزیر اقتصاد اعلام کرده است که دولت مقدمات لازم برای برای مقابله با تمام فشارهای قیمت پایین نفت حتی در سطح کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه را فراهم کرده است. بخش زیادی از این اقدامات بر برنامه جامع مالیات متمرکز خواهد بود که در دستور کار دولت است. قرار است که با تکمیل زنجیره نظام جامع مالیاتی، وابستگی درآمدهای بودجه به نفت کاهش یابد. از منظر وزیر اقتصاد در شرایط کنونی نظام بانکی و سازمان مالیات در خط مقدم جنگ تمام عیار اقتصادی است. سهم مالیات در بودجه سال ۱۳۹۴ با احتساب درآمدهای گمرک و عوارض ۷۴ هزار



خود در سه ماه گذشته را با جهش یک و نیم درصدی شاخص ثبت کرد. صفوف خرید میلیونی در سهام برخی صنایع و همچنین افزایش قابل ملاحظه و مستمر ارزش روزانه معاملات نشان از تغییر شرایط را می‌دهد. با توجه به عدم تغییر عوامل بیرونی نظیر قیمت جهانی نفت و سایر مواد خام برخی از کارشناسان منشأ آغاز تحرکات بازار سرمایه را نتیجه فضای مثبت مبتنی می‌دانند که در نتیجه اجرای برنامه مشترک و بعضی از اقدامات اقتصادی داخلی ایجاد شد. در این ارتباط اقدامات انبساطی اخیر بانک مرکزی شامل اجرای بسته ضدرکود، کاهش سپرده قانونی بانک‌ها و تعدیل نرخ سود سپرده در بازار بین بانکی منجر به تسهیل پولی در کل سیستم شده است که آثار آن در جهش نقدینگی به سمت بورس قابل مشاهده است. علاوه بر تأثیر مثبت اجرای برجام بر بازار سرمایه، افزایش تولید نفت و صادرات آن پس از تحریم تا حدودی می‌تواند کاهش درآمد ارزی ایران ناشی از کاهش قیمت نفت را ترمیم کند. با برداشته شدن تحریم‌ها با توجه به استقبال هیئت‌های اقتصادی خارجی و ارائه پوشش بیمه‌ای توسط شرکت‌های بیمه‌ای معتبر دنیا بخصوص بیمه هرمس آلمان و ساچه ایتالیا، موانع سرمایه‌گذاری خارجی کاهش خواهد یافت و امکان تأمین مالی برای بسیاری از طرح‌های اقتصادی بخصوص در زمینه نفت و گاز را فراهم خواهد کرد. بنا به گفته وزیر نفت با برداشته شدن تحریم‌ها، هزینه طرح‌های اقتصادی در بخش نفت و گاز نصف خواهد شد. موفقیت در جذب سرمایه خارجی تا حدود زیادی می‌تواند مشکل مالی طرح‌های عمرانی را جبران کند. در دوره پس‌ابرجام دسترسی ایران به ذخایر مالی و بلوکه شده در خارج امکان‌پذیر خواهد شد. دسترسی به منابع مالی بلوکه شده و افزایش صادرات نفت که از هم اکنون مورد استقبال کشورهای اروپایی و آسیایی واقع شده، دست دولت را در تأمین منابع مالی و تداوم جلوگیری از نوسان شدید بازار ارز باز خواهد گذاشت. از سوی دیگر برداشته شدن تحریم‌ها، باعث افزایش سرعت تسهیل در نقل و انتقال پول میان سیستم بانکی، کاهش هزینه‌های مضاعف ناشی از اعمال محدودیت بر حمل و نقل، عملیات گمرکی و دسترسی ارزان و آسان به مواد اولیه و تجهیزات خواهد شد. ضمن این‌که موانع بانکی موجود بر سر راه تشویق و افزایش صادرات غیرنفتی کاهش خواهد یافت. این عوامل می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش فشار ناشی از کاهش قیمت نفت و افزایش رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ داشته باشد. با این اوصاف اگر چه نمی‌توان از آثار

مثبت تعامل با اقتصاد بین‌الملل پس از برجام چشم‌پوشی کرد ولی باید توجه داشت که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تعامل سازنده با اقتصاد بین‌الملل باید در اولویت قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

نوسان و کاهش درآمدهای نفتی و به دنبال آن بی‌ثباتی در اقتصاد ملی کشورهای تولیدکننده نفت یک داستان تکراری است که حکایت از ضعف ساماندهی و تعامل اجتماعی، ساختار اقتصادی معیوب، سیاست‌گذاری نامناسب، عدم تعامل مؤثر با محیط بیرونی دارد. این در حالی است که باید توجه داشت افزایش قدرت و ظرفیت سیاسی، فرهنگی و نظامی بدون ایجاد یک ساختار اقتصادی پویا بی‌معنا است. در واقع کشوری که در ایجاد یک اقتصاد ملی پویا و مؤثر دچار ضعف باشد، باید در نوع نگاه و سبک زندگی خود دوباره بیندیشد. به هر حال در شرایط کنونی کاهش درآمد نفت باعث فشار بر درآمد ملی و بودجه دولت خواهد شد. اگر چه اجرای برجام باعث تعدیل نسبی فشارهای ناشی از این امر می‌شود و در عین حال می‌توان در کنار توجه به شرایط موجود بازار نفت؛ بسترهای اجتماعی و سیاسی لازم را برای ایجاد یک فهم گسترده و عمیق اجتماعی، سیاست‌گذاری اقتصادی همه‌جانبه و کارآمد، انضباط مالی، شناسایی ظرفیت‌های واقعی و متنوع اقتصادی، توجه به بخش خصوصی واقعی، مبارزه با رانت و فساد، ایجاد شفافیت در اطلاعات مالی برای اصلاح واقعی ساختار اقتصادی فراهم کرد.

